

بررسی تاثیر عوامل فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی بر وقوع نزاع دسته جمعی (مطالعه موردی شهر دهدشت)

محمد کرمی

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی نورآباد ممسنی، ایران

Email: mohamdkarmi1368@gmail.com

چکیده

پدیده نزاع دسته جمعی از آن دسته آسیب های اجتماعی است که نظم حاکم بر جامعه را مختل می کند و همواره مواجهه با آن مورد توجه متولیان نظم و امنیت اجتماعی بوده است. نزاع، نوعی بی نظمی در روابط اجتماعی میان افراد و گروه ها است که یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد محسوب می شود. این مسئله پیامدهای اجتماعی گوناگونی را در بر داشته که از مهم ترین آنها می توان به کاهش ابعاد گوناگون امنیت در جامعه یاد شده اشاره کرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی در وقوع نزاع های دسته جمعی شهر دهدشت می باشد . جامعه آماری تحقیق را کلیه افراد ۱۵ الی ۳۵ سال شهر دهدشت تشکیل می دهد که تعداد آنها ۲۴۷۵۰ نفر می باشد . از این تعداد بوسیله جدول مورگان ۳۷۶ بعنوان نمونه آماری انتخاب گردیده و برای توزیع پرسش نامه از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد . برای تجزیه و تحلیل داده های آماری از نرم افزار SPSS نسخه شماره ۱۹ استفاده شد و میانگین ، انحراف معیار ، ضریب همبستگی و سطح معناداری بدست آمد . نتایج تحقیق نشان داد تمامی هفت متغیر یعنی سن ، احساس محرومیت نسبی ، خاستگاه خانوادگی ، کنترل اجتماعی ، قوم گرایی ، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و آشنایی با قوانین حقوقی با وقوع نزاع دسته جمعی در سطح $P < 0.05$ رابطه مثبت و معناداری دارند . افراد مجرد بخصوص مردان با میانگین سنی ۱۶ الی ۲۵ سال بیشترین شرکت را در نزاع های دسته جمعی داشته اند و از میان متغیرهای تحقیق مهمترین عامل بروز وقوع نزاع دسته جمعی قوم گرایی می باشد . از پژوهش حاضر می توان نتیجه گرفت در صورتیکه مسئولین بخصوص نیروی انتظامی فعالیت گسترده تری را در شهر دهدشت برای پیشگیری از وقوع نزاع دسته جمعی داشته باشد و از طرفی به بحث اشتغال توجه بیشتری مسئولین داشته باشند از بروز نزاع کاسته خواهد شد .

واژه های کلیدی: نزاع دسته جمعی ، قوم گرایی ، پایگاه اجتماعی - اقتصادی ، کنترل اجتماعی ، احساس محرومیت نسبی و آشنایی با قوانین حقوقی

مقدمه :

ایران کشوری چند قومی است و تاریخ سیاسی آن درمقاطع مختلف با نقش فعال قبایل و طوایف گره خورده است. در واقع تحلیل تاریخ کشورمان بدون تحلیل حضور آنها در جنگها و سایر رویدادهای مملکتی مقدور نیست. نقش آنها گاهی مثبت و گاهی منفی است. صرف نظر از این نقشها، گاهی درون این گروهها و همچنین در بعضی از روستاها و شهرها برخوردهایی شکل میگیرد که آثار تخریبی آن، امنیت و آسایش مردم را بخاطر قتلها و کشتارهای بی‌امان، سلب می‌نماید و این یکی از مشکلات ماست. هنوز در گوشه و کنار کشورمان بعد از گذشت این همه دگرگونی‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی، آثار ناگوار پدیده‌ای به نام نزاع‌های جمعی و درگیریهای قومی و قبیله‌ای مشاهده می‌شود، هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب میشود (پورافکاری، ۱۳۸۳). اساساً آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط ناسالم انسانی است که بنیانهای جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند و مانع تحقق نیازمندیها و تقاضاهای افراد کثیری می‌گردد. به نظر می‌رسد آسیب اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که نهادهای تنظیم‌کننده روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند که نتیجه آن شکل‌گیری شکافهای عمقی بین افراد است. در چنین وضعیتی قوانین تنظیم‌کننده روابط انسانها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل می‌شوند زیرا قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است. (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۴)

پدیده نزاع و درگیری در جامعه از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اخلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنشهای بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشد به عنوان پدیده‌ای مسئله‌ساز ظاهر می‌شود. پدیده نزاعهای جمعی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزشهای سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پایبندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. (پورافکاری، ۱۳۸۳).

نزاع، نوعی بی‌نظمی در روابط اجتماعی میان افراد و گروه‌ها است که یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد محسوب می‌شود. این مسئله پیامدهای اجتماعی گوناگونی را در بر داشته که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کاهش ابعاد گوناگون امنیت در جامعه یاد شده اشاره کرد. اساساً می‌توان نزاع جمعی را چنین تعریف کرد: رویارویی پرخاشگرانه و ستیزه‌جویانه که توأم با خشم، کینه و انتقام‌صورت می‌گیرد و سبب قتل، ضرب و شتم و مجروح و معلول شدن طرفهای درگیر می‌شود و خسارات مالی فراوانی نیز به بار می‌آورد (همان).

در تاریخ ایران همانند بسیاری از جوامع دیگر تنوع معیشتی، فرهنگی، شدت رابطه درون‌گروهی، قلت رابطه برون‌گروهی، محرومیت‌ها، نابرابری‌ها، تعصبات قومی و قبیله‌ای و غیره زمینه‌ساز بروز نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی و قبیله‌ای بوده‌اند، بنابراین نزاع جمعی در هر جامعه همیشه بعنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است و این مسئله در گذشته و امروز منشاء خسارات مالی و جانی فراوان و مانع توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح شهرستان کهگیلویه شده است، بطوریکه اکثر محققان یکی از دلایل عدم توسعه استان و شهرستان کهگیلویه را نزاعهای جمعی و درگیریهای قومی دانند که ناشی از علل مختلف می‌باشند بنابراین توصیف و تبیین علل و عوامل موثر بر نزاعها و درگیریهای قومی از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اهمیت است و از لحاظ علمی نیز قابل شناخت و قانونمند محسوب می‌شود. از عواملی که زمینه‌ساز این گونه درگیریها و نزاعهای اجتماعی می‌باشند می‌توان به وضعیتهایی همچون فقر، بیکاری، مواد ناکافی و ... اشاره کرد که باعث رنجش فیزیکی و روانی بخشهایی از جامعه شده و باعث می‌شود کیفیت زندگی افراد این جوامع کاهش یابد. (اینتنزن^۱، ۱۹۹۲)

¹ Intezen

همچنین از نظر می یر ۲ نزع عبارت است از کشمکش مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر نزاعهای جمعی به عنوان یک مسئله اجتماعی علت بروز برخی مسائل اجتماعی دیگر است و خود نیز معلول برخی شرایط و پدیده هایی است که ریشه در ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد.

نزاع دسته جمعی، که اصولاً با میانگین بالایی در استان هایی که ساختار ایلی و طایفه ای خود را حفظ کرده اند، مشاهده می شود، علاوه بر حفظ ساختارهایی در اثر عواملی چون احساس محرومیت، تعصب، خاص گرایی، انزوای اجتماعی، توسعه نیافتگی فرهنگی و ... به وقوع می پیوندد. نزع های دسته جمعی پیامدهایی نظیر تداخل در نظم عمومی، گسترش روحیه انتقام جویی، گسترش جرائم و آسیب های اجتماعی، کاهش عرق ملی در مقابل گرایش های قوم مدارانه، تهدید احساس امنیت عمومی و مهمتر از همه کاهش احساس امنیت در میان افراد، که خود زمینه ایجاد اضطراب و دیگر ناآرامی های فکری و روحی می باشد، را به دنبال خواهد داشت. طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، جمعاً ۳۰۲۹۹ مورد نزع غیر مسلحانه در کشور ثبت شده است. در این نزع ها ۶۶۰ نفر کشته و ۲۷۶۳۳ نفر مجروح شده اند. همچنین در این خصوص، ۶۷۶۲۳ نفر نیز دستگیر و به مقامات قضایی تحویل شده اند. بیشترین نزع دسته جمعی غیر مسلحانه مربوط به سال ۱۳۷۷، بیشترین کشته مربوط به سال ۱۳۸۰ و بیشترین مجروح نیز مربوط به سال ۸۰ بوده است (حسینی، ۱۳۸۳).

این پژوهش برآن است تا بدین سوال پاسخ دهد که چرا در شهرستان کهگیلویه تعداد پرونده های مربوط به نزع دسته جمعی بسیار زیاد است؟ آیا متغیر های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این شهرستان می توانند در بروز چنین مسئله ی مهمی دخیل باشند؟

پیشینه تحقیق:

- پژوهشی تحت عنوان توصیف و تبیین جامعه شناسی جمعی در استان لرستان توسط عبدالهی و چلبی به درخواست استانداری استان لرستان در سال ۱۳۷۲ انجام گرفت که یافته های این پژوهش نشان می دهد که بطور کلی میزان انسجام عام که از ویژگیهای مهم اجتماع عام است در سطح استان نسبتاً ضعیف است و تحلیلها نشان می دهد که یکی از عوامل مهم نزاعهای جمعی در استان لرستان همین ضعف انسجام عام است، جایی که انسجام وجود داشته باشد در واقع مشارکت اجتماعی بیشتر و فراگیرتر است و میزان انسجام عام در مناطق شهری بیش از روستا و در مناطق روستایی بیشتر از مناطق عشایری می باشد. (عبدالهی و چلبی، ۱۳۷۲).

- پژوهشی با عنوان تحلیلی بر تنشهای قومی در ایران در سال ۱۳۸۳ توسط پورافکاری انجام گرفته، یافته های پژوهش نشان می دهد که علل این تنشها را می توان ابعاد فرهنگی، محیط طبیعی، عوامل اجتماعی، قوم گرایی، عدم آشنایی مردم این مناطق با قوانین اسلامی، ضعف مالی و تعصبات شدید قومی و ... دانست. (پور افکاری، ۱۳۸۳).

- خراطها و جاوید، پژوهشی با عنوان بررسی علل و عوامل جامعه شناختی بروز نزع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران در سال ۱۳۸۴ انجام دادند که نتایج این تحقیق نشان می دهد که عواملی نظیر وجود آسیب ها و مسایل اجتماعی، ضعف در کنترل و نظارت اجتماعی، کژکارکردی برخی نهادها و سازمانها، عدم حاکمیت قانون، پراکندگی و فراوانی کانونهای نزع و درگیری از عوامل مهم بروز نزع و درگیری در شهر تهران هستند. (خراطها و جاوید، ۱۳۸۴).

- بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت انتظامی نزاعهای دسته جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه که در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم انتظامی تدوین شده است. دارای یک فرضیه اصلی است که بر مبنای پنج متغیر مستقل شامل: ۱- توانمندی و سرعت عمل پلیس ۲- آگاهی و معلومات مردم ۳- خلع سلاح عمومی ۴- احکام صادره قضایی ۵- افراد معتمد و ذی نفوذ طوایف که همان پنج فرضیه فرعی هستند؛ مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، ۵۴ نفر از کارشناسان و مسئولان انتظامی، سیاسی، امنیتی و قضایی هستند که در امر مدیریت انتظامی نزاعهای دسته جمعی مسلحانه فعال بوده اند (لشکری، ۱۳۸۵).

² Meier, Peter

- پژوهشی توسط نظری در سال ۱۳۸۶ انجام گرفت، نتایج این پژوهش نشان می دهد که متغیرهای پرخاشگری، قوم گرایی، تأثیرمعنادار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصيلات تأثیر معنادار منفی بر گرایش به نزاع داشته اند. (نظری ۱۳۸۴).

- مطالعه ربانی و همکاران در سال ۱۳۸۸ به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع های دسته جمعی را در شهرستان های منتخب استان ایلام پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان داد: الف) گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالا بوده، ب) از بین متغیرهای مستقل مطرح شده، تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع جمعی، بیش از سایر متغیرها بوده و ج) تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع جمعی، کاهنده بوده است. (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸).

- رامون اسپیج^۳ از دانشگاه آمستردام هلند با استفاده از تحقیقات بومی و منطقه ای درکنار استفاده از نظریات عام و جهان شمول درتبیین پدیده خشونت و ستیزه جویی به بررسی این معضل اجتماعی پرداخته است. وی در یکی از مهمترین تحقیقات خود با عنوان جنبه هایی از خشونت اوباشگری و رفتارهای خشن تحت تاثیر عامل اصلی که دروجود آمدن آن نقش دارند، بوجود می آید:

- ۱- هیجان زدگی ۲- ایجاد هویت مردانه خشن ۳- هویت یابی منطقه ای و محلی ۴- مدیریت فردی و کسب شهرت ۵- احساس همبستگی و تعلق ۶- قدرت و خود مختاری. (رامون اسپیج، ۲۰۰۶)
- نتایج تحقیقات لوناردو در سال ۲۰۰۹^۴ نشان می دهد که مکانیسم های یادگیری اجتماعی که معمولاً شبکه های اجتماعی نظیر دوستان، والدین و ... می باشند، در اقدام به رفتارهای ناهنجار تأثیر دارند. همچنین در این میان، تأثیر والدین کم مسئولیت پذیر در ارتکاب به اعمال ناهنجار فرزندان، بیشتر از بقیه متغیرهاست. (لوناردو، ۲۰۰۹).
- فرانس^۵ و همکاران، ۲۰۰۸، پژوهشی با عنوان "خشونت های بین فردی در سه کشور کارائیب: باربادوس، جامائیکا و ترینیداد و توباگو" انجام داده اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که قربانیان خشونت جنسی بیشتر از جنس مؤنث بودند بیشترین میزان این قربانیان در جامائیکا بوده است. به نظر این پژوهشگران سطوح بسیار بالای خشونت بین فردی گزارش شده نشان از سطح بسیار بالای تحمل میان قربانیان، فرهنگ خشونت و فرهنگ روابط درونی خصمانه است.

فرضیه های تحقیق:

- ۱- بین سن و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین احساس محرومیت نسبی و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین خاستگاه خانوادگی و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع رابطه وجود دارد.
- ۵- بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد و گرایش به نزاع رابطه وجود دارد.
- ۶- بین قوم گرایی و گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان آشنایی به قوانین و گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.

چهارچوب نظری

برای تبیین نظری نزاع دسته جمعی ابتدا لازم است این نکته را بیان کنیم که تئوری یا دیدگاهی به طور خاص به تبیین این مسئله نپرداخته است. با وجود این، از آنجا که نزاع دسته جمعی یکی از مصادیق خشونت می باشد و انطباق خاصی با تئوری های انحرافات دارد، در این مقاله برای بررسی دقیق تر، از نظریه های زیست شناسی انحرافات، نظریه های روانکاوی پرخاشگری، تبیینهای روانشناختی اجتماعی و نظریه های جامعه شناسی انحرافات بهره گرفته شده است بر این اساس به چند نظریه برجسته به طور خلاصه اشاره می کنیم:

3 Spaij

4 . Lonardo

5 Le Franc E.

نظریه آنومی دورکیم و مرتن

ایده اصلی دورکیم در این خصوص آن بود که زندگی بدون وجود الزامهای اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل‌ناپذیر می‌شود، و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده آنومی، یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای بروز کجروی و خودکشی است. او اشاره می‌کند که در جوامع امروزی خواه در سطح جامعه و خواه در سطح برخی گروه‌های تشکیل‌دهنده آن، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد، بی‌آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین آن گردد. بر همین اساس، بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد و پیامدهای آنومی نیز در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی، و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی می‌شود. علت آشکار تحقق آنومی نیز به نظردورکیم، تحولات شتابان اقتصادی است، زیرا این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال می‌آورد (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰).

آلبرت کوهن و نظریه ناکامی منزلتی

با توجه به مطالب پیش‌گفته در میابیم که در واقع کوهن اصطلاح منزلت را جانشین موفقیت در نظریه مرتن می‌سازد؛ یعنی طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند. به سخنی دیگر، جامعه در عین حال که آنها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دستیابی را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد. طبقه محروم شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت پیدا می‌کنند بنابراین این امر، از طریق اشتغال به امور خلاف تحقق می‌یابد. بر مبنای نظر کوهن، نوجوانان و جوانان طبقه پایین، همانند هم‌تایان خود در طبقه متوسط علاقمند به دستیابی به منزلت بالا هستند. در نتیجه جوانان طبقه پایین که دچار ناکامی شده‌اند در منطقه‌هایی که زندگی می‌کنند، خرده‌فرهنگ‌های بزهکار را به وجود می‌آورند. در این خرده‌فرهنگها رقابت، شکل دیگری به خود می‌گیرد و ارزشها کاملاً متفاوت می‌شوند. ارزشها و هنجارهای این خرده‌فرهنگها درست برخلاف ارزش‌های طبقه متوسط است. معیار موفقیت و منزلت هم در اینجا کاملاً متفاوت است (ممتاز، ۱۳۸۱).

نظریه محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی توسط جودیت بلاو و پیتر بلاو بنیان نهاده شد، این دو مفهیمی را از نظریه آنومی با الگوی بی‌سازمانی اجتماعی ترکیب کردند. بر اساس این نظریه، افراد متعلق به طبقات پایین زمانی که شرایط زندگیشان را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی می‌کنند. از آنجایی که طبقه اقتصادی و نژادی در این افراد سبب ایجاد بی‌عدالتی و ناخرسندی می‌شود، بنابراین احساس محرومیت می‌کنند. در جامعه‌ای که نابرابری وجود دارد و به وسیله ابزارهای قانونی موقعیتهای پیشرفت افراد گرفته می‌شود، افراد احساس بی‌اعتمادی به جامعه می‌کنند. ناکامی مستمر که از این دسته از احساسات مربوط به عدم کفایت ناشی می‌گردد سبب ایجاد پرخاشگری و خصومت سرکوب شده می‌گردد و در نهایت سبب جرم و خشونت می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳).

روش‌شناسی تحقیق:

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق را افراد ۱۵ الی ۳۵ سال ساکن شهر دهدشت تشکیل می‌دهند که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۵۵۸۰۰ نفر جمعیت شهر دهدشت می‌باشد که جمعیت سنی ۱۵ الی ۳۵ سال، ۲۷۴۵۰ نفر هستند که جامعه آماری پژوهش حاضر را شامل می‌گردند. (مرکز آمار ایران، ۲۳۹۵). روش نمونه‌گیری در این تحقیق بصورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. برای انجام این پژوهش شهر را به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم و ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) میان نمونه آماری مورد نظر توزیع شد. بوسیله جدول مورگان ۳۷۶ نفر بعنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه شماره ۱۹ استفاده گردید. پس از جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت، در سطح توصیفی با استفاده از شاخصهای آماری نظیر فراوانی، میانگین، درصد، انحراف معیار و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضه‌های اساسی از آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

پایایی و روایی ابزار پژوهش

شاخصهای مورد استفاده در پرسشنامه عمدتاً از تحقیقات پیشین گرفته شده است که در بین آنها بهترین شاخصهای موجود آزمون شده قبلی گزینش شده است و برای حصول روایی قابل قبول مجدداً اعتبار محتوایی شده اند. برای این منظور از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. پس از تهیه و تدوین گویه ها و طراحی صورت اولیه پرسشنامه، جهت تعیین میزان پایایی پرسشنامه، مرحله پیش آزمون به اجرا درآمد. مرحله پیش آزمون، روی یک نمونه ۲۰ نفری از شهروندان شهر دهدشت به اجرا درآمد و بعد از استخراج، نمرات مربوط به هر پرسشنامه، از آنها آزمون آلفای کرونباخ به عمل آمد که ضرایب زیر برای پرسشهای بسته متغیرهای مستقل و وابسته در پرسشنامه حاصل گردید:

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
رابطه بین سن و گرایش به نزاع دسته جمعی	۰,۸۷
رابطه بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به نزاع دسته جمعی	۰,۷۴
رابطه بین خاستگاه خانوادگی و گرایش به نزاع دسته جمعی	۰,۷۶
رابطه بین کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع دسته جمعی	۰,۸۴
رابطه بین قوم گرایی و گرایش به نزاع دسته جمعی	۰,۸۸
رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد و گرایش به نزاع دسته جمعی	۰,۸۷
رابطه بین آشنایی به قوانین و گرایش به نزاع دسته جمعی	۰,۸۲

جدول ۱: محاسبه ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مورد مطالعه

یافته های تحقیق:

در بخش توصیفی تحقیق مشخص شد ۶۳,۷٪ از شرکت کنندگان در تحقیق را مردان و ۳۶,۳٪ درصد را زنان تشکیل می دهند. ۵۶,۳٪ شرکت کنندگان متأهل و ۴۳,۷٪ مجرد بودند. میانگین سنی نمونه آماری ۲۷,۹ سال بوده است. از نظر سطح سواد ۶,۳٪ از نمونه آماری را بی سواد، ۱۲,۸٪ زیر دیپلم، ۲۰,۹٪ دیپلم، ۲۴,۳٪ فوق دیپلم، ۲۸,۵٪ لیسانس و ۱۶,۷٪ مدرک تحصیلی لیسانس به بالا داشته اند. از نظر شغلی ۵۹,۳٪ افراد بیکار و ۴۰,۷٪ شاغل بوده اند. از نظر وضعیت مسکن ۵۶,۹٪ دارای مسکن شخصی یا پدری، ۶,۳٪ دارای منزل مسکونی سازمانی و ۳۶,۸٪ منزل استیجاری دارند.

فرضیه اول: بین سن و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.

نتایج حاکی از پژوهش از رابطه معنادار میان سن فرد و گرایش به شرکت در نزاع دسته جمعی می باشد. به طوریکه در سطح $p < 0.05$ فرضیه مورد مورد تایید قرار می گیرد. ضریب همبستگی بین متغیرهای فرضیه اول ۰,۲۱۲ می باشد.

(جدول ۲ و ۳).

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
گرایش به نزاع دسته جمعی	۳۷۶	۴۲,۳	۵,۳۲
سن	۳۷۶	۳۹,۵۶	۵,۸۷

جدول شماره ۲: میانگین و واریانس متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و سن فرد

متغیر		سن
گرایش به نزاع دسته جمعی	ضریب همبستگی	۰,۲۱۲
	سطح معناداری	۰,۰۴

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی و سطح معناداری متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و سن فرد

فرضیه دوم: بین احساس محرومیت نسبی و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد انحراف معیار برای متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و احساس محرومیت نسبی به ترتیب ۴,۹۶ و ۵,۱۲ می‌باشد. ضریب همبستگی متغیرهای تحقیق ۰,۱۸۷ و در سطح $p < 0.05$ رابطه معناداری میان متغیرهای تحقیق وجود دارد. (جدول ۴ و ۵).

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
گرایش به نزاع دسته جمعی	۳۷۶	۳۹,۳	۴,۹۶
احساس محرومیت نسبی	۳۷۶	۴۰,۲	۵,۱۲

جدول شماره ۴: میانگین و واریانس متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و احساس محرومیت نسبی فرد

احساس محرومیت نسبی		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰,۰۱	۰,۱۸۷	گرایش به نزاع دسته جمعی

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی و سطح معناداری متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و احساس محرومیت نسبی فرد

فرضیه سوم: بین خاستگاه خانوادگی (شهری- روستایی) و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش حاکی از رابطه معنادار میان متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و خاستگاه خانوادگی در سطح معنادار $p < 0.05$ می‌باشد. برای متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و خاستگاه خانوادگی انحراف معیار به ترتیب ۴,۳۲ و ۴,۷۶ می‌باشد. ضریب همبستگی متغیرهای تحقیق ۰,۲۱۴ می‌باشد. (جدول ۶ و ۷)

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
گرایش به نزاع دسته جمعی	۳۷۶	۴۱,۲	۴,۳۲
خاستگاه خانوادگی	۳۷۶	۴۲,۳	۴,۷۶

جدول شماره ۶: میانگین و واریانس متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و خاستگاه خانوادگی

خاستگاه خانوادگی		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰,۰۰	۰,۲۱۴	گرایش به نزاع دسته جمعی

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی و سطح معناداری متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و خاستگاه خانوادگی

فرضیه چهارم: بین میزان کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد که در سطح معنادار $p < 0.05$ بین میزان کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه معنادار وجود دارد. انحراف معیار برای گرایش به نزاع دسته جمعی و کنترل اجتماعی به ترتیب ۳,۹۶ و ۴,۲۱ می‌باشد. ضریب همبستگی بین متغیرها ۰,۲۱۴ می‌باشد. (جدول ۸ و ۹).

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
گرایش به نزاع دسته جمعی	۳۷۶	۴۳٫۲	۳٫۹۶
کنترل اجتماعی	۳۷۶	۴۰٫۷۸	۴٫۲۱

جدول شماره ۸: میانگین و واریانس متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی		متغیر
ضریب همبستگی	سطح معناداری	
۰٫۲۱۴	۰٫۰۲۳	گرایش به نزاع دسته جمعی

جدول شماره ۹: ضریب همبستگی و سطح معناداری متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و کنترل اجتماعی

فرضیه پنجم: بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی فرد و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. تحلیل فرضیه تحقیق نشان داد بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و گرایش به نزاع دسته جمعی در سطح $p < 0.05$ رابطه معناداری وجود دارد. انحراف معیار برای پایگاه اجتماعی- اقتصادی و گرایش به نزاع دسته جمعی به ترتیب ۴٫۱۴ و ۳٫۹۷ می باشد و ضریب همبستگی ۰٫۳۱۲ می باشد. (جدول ۱۰ و ۱۱).

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
گرایش به نزاع دسته جمعی	۳۷۶	۳۸٫۹۰	۴٫۱۴
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	۳۷۶	۳۹٫۷۲	۳٫۹۷

جدول شماره ۱۰: میانگین و واریانس متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی

پایگاه اجتماعی- اقتصادی		متغیر
ضریب همبستگی	سطح معناداری	
۰٫۳۱۲	۰٫۰۰۰	گرایش به نزاع دسته جمعی

جدول شماره ۱۱: ضریب همبستگی و سطح معناداری متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی

فرضیه ششم: بین قوم گرایی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد که در سطح معنادار $p < 0.05$ بین قوم گرایی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه معنادار وجود دارد. انحراف معیار برای گرایش به نزاع دسته جمعی و قوم گرایی به ترتیب ۳٫۲۷ و ۳٫۹۶ می باشد. ضریب همبستگی بین متغیرها ۰٫۲۵۶ می باشد. (جدول ۱۲ و ۱۳).

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
گرایش به نزاع دسته جمعی	۳۷۶	۴۰٫۸۷	۳٫۲۷
قوم گرایی	۳۷۶	۳۹٫۶۷	۳٫۹۶

جدول شماره ۱۲: میانگین و واریانس متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و قوم گرایی

قوم گرایی		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰,۰۰	۰,۲۵۶	گرایش به نزاع دسته جمعی

جدول شماره ۱۳: ضریب همبستگی و سطح معناداری متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و قوم گرایی

فرضیه هفتم: بین میزان آشنایی به قوانین حقوقی و گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد که در سطح معنادار $p < 0.05$ میزان آشنایی به قوانین حقوقی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه معنادار وجود دارد. انحراف معیار برای گرایش به نزاع دسته جمعی و میزان آشنایی به قوانین حقوقی به ترتیب ۴,۶۵ و ۴,۳۶ می باشد. ضریب همبستگی بین متغیرها ۰,۲۱۴ می باشد. (جدول ۱۴ و ۱۵).

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
گرایش به نزاع دسته جمعی	۳۷۶	۴۱,۵۲	۴,۶۵
میزان آشنایی به قوانین حقوقی	۳۷۶	۴۲,۳۲	۴,۳۶

جدول شماره ۱۴: میانگین و واریانس متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و میزان آشنایی به قوانین حقوقی

میزان آشنایی به قوانین حقوقی		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰,۰۳۲	۰,۲۱۴	گرایش به نزاع دسته جمعی

جدول شماره ۱۵: ضریب همبستگی و سطح معناداری متغیرهای گرایش به نزاع دسته جمعی و میزان آشنایی به قوانین حقوقی

بحث و نتیجه گیری:

این مقاله درصدد تبیین نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در وقوع نزاعهای دسته جمعی در شهردهدشت بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که گروه سنی ۱۶ تا ۲۸ سال بیشترین درصد از میزان حضور در نزاعهای جمعی را به خود اختصاص داده اند و کمترین میزان مربوط به افراد ۳۰ سال به بالاتر بوده است. مردان و مجردها بیش تر از زنان و متأهل ها در نزاع های جمعی شرکت داشته اند. از نظر شغلی افراد بیکار و کسانی که شغل های آزاد، کارگر و راننده بوده اند بیش از بقیه در نزاع های دسته جمعی شرکت کرده اند. در ارتباط با مکان زندگی، افراد ساکن در مناطق روستایی بسیار بیشتر از افراد ساکن مناطق شهری در درگیری شرکت داشته اند. در ارتباط با سطح

تحصیلات: افراد دیپلم، زیر دیپلم و بی سواد بیش از ۸۰ درصد نزاع های جمعی را به خود اختصاص داده اند. با تحلیل نتایج فرضیه اول نتایج نشان می دهد که بین سن و بروز نزاع دسته جمعی رابطه معناداری وجود دارد این در حالی است که هرچه سن کمتر باشد میزان وقوع نزاع دسته جمعی بیشتر است. افراد با میانگین سنی ۱۶ الی ۲۸ سال بیشترین شرکت را در نزاع های دسته جمعی به خود اختصاص داده اند. نتایج تحقیق با یافته های عدالتی منش در سال ۱۳۸۶ که گفته بود هرچه سن بیشتر باشد وقوع نزاع دسته جمعی محتمل تر است مشابهت ندارد. اما نتایج این تحقیق با نتیجه پژوهش نظری در سال ۱۳۸۶ که نشان داد بین وقوع نزاع دسته جمعی و بروز نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد مشابهت وجود دارد. به نظر می رسد افزایش سن باعث پختگی افراد و گرفتاری آنها جهت تامین امور معشیتی فرزندان و خانواده باعث مشغله ذهنی و زندگی شده و کمتر گرایش به نزاع و درگیری را دارند ولی افراد جوان بدلیل روحیات جوانی از جمله احساسی بودن و هیجانی بودن و همچنین مشکلات کمتر زندگی هنوز تفکر به نزاع درگیری در ذهن آنها تداعی می شود.

تحلیل نتایج حاصل از فرضیه دوم نشان داد بین احساس محرومیت نسبی و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. در این پژوهش که یکی از عوامل موثر بر عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی را متغیر محرومیت نسبی می دانند، مقایسه گردید که با یافته پژوهش حاضر شباهت دارد، عبارت دیگر احساس محرومیت نسبی باعث ایجاد نزاع و تخلف در قانون می باشد. این موضوع متاسفانه عامل مخرب و خطرناکی است که تاثیر منفی خود را در تمام زمینه ها و ابعاد و حیات جمعی گذاشته است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق گودرزی در سال ۱۳۸۵ که معتقد بود افراد معتقدند کمتر از آنچه حقتشان بود در جامعه دریافت کرده اند مشابهت دارد.

تحلیل نتایج حاصل از فرضیه سوم نشان داد بین خاستگاه خانوادگی (شهری- روستایی) و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. افرادی که در روستا زندگی می کنند باتوجه به اینکه رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند معمولاً بیشتر در نزاع دسته جمعی شرکت می کنند زیرا از یک طرف کوچک بودن جامعه و از طرفی حمایت طایفه ای در مقابل دیگران منجر به شرکت آنها در نزاع دسته جمعی می گردد. نتایج این فرضیه با نتایج حسین زاده و همکاران در سال ۱۳۹۰ مشابهت دارد.

تحلیل نتایج فرضیه چهارم نشان داد بین میزان کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. هرچه کنترل اجتماعی از طرف پلیس و مسئولین برقرار کننده نظم بیشتر باشد امنیت اجتماعی بالاتر و وقوع نزاع دسته جمعی در جامعه کاهش می یابد. بنابراین بین وقوع نزاع دسته جمعی و کنترل اجتماعی رابطه معکوس معنی داری وجود دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش نظری و همکاران در سال ۱۳۸۶ و نتایج رضایی و بحرینی در سال ۱۳۸۹ مشابهت دارد.

مطابق تحلیل فرضیه پنجم بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی فرد و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه حاکی از نقش پایگاه اجتماعی- اقتصادی در بروز کاهش وقوع نزاع دسته جمعی می باشد بطوریکه هرچه شخص در جامعه از نظر اجتماعی- اقتصادی در جایگاه بالاتری قرار بگیرد کمتر در وقوع نزاع دسته جمعی نقش دارد. که نتایج این فرضیه با نتایج نظری در سال ۱۳۸۶، رضایی و بحرینی در سال ۱۳۸۹ و خراطا و جاوید در سال ۱۳۸۴ مشابه می باشد.

فرضیه ششم رابطه بین قوم گرایی را با وقوع نزاع دسته جمعی را مورد تحلیل قرار داده است. نتایج حاصل از تحلیل این فرضیه نشان می دهد بین قوم گرایی و وقوع نزاع دسته جمعی رابطه مستقیم وجود دارد و هرچه فرد در جامعه بیشتر به این مسئله توجه نماید احتمال حضور او در نزاع بیشتر است. نتایج این فرضیه با نتایج عدالتی منش در سال ۱۳۸۶ در شهر گچساران و نتایج رضایی و بحرینی در سال ۱۳۸۹ مشابه می باشد.

فرضیه هفتم رابطه بین آشنایی با قوانین حقوقی و وقوع میزان نزاع دسته جمعی را تایید می کند بطوریکه اکثر افرادی که با قوانین آشنایی دارند کمتر در نزاع دسته جمعی شرکت می کنند زیرا طبق ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی شرکت در نزاع دسته جمعی به هر شکلی که باشد از ۶ ماه تا سال زندانی می شود. که نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج همخوانی دارد.

پیشنهادات تحقیق:

- ۱- با توجه به اینکه جوانان در سن ۱۶ الی ۲۵ سال تجربه کافی را جهت اداره زندگی خود را ندارند و بیشتر در رابطه با مسائل مختلف زندگی احساساتی برخورد می کنند لازم است خانواده ها کنترل ویژه ای بر فرزندان خود داشته باشند.
- ۲- با توجه به اینکه بیشتر نزاع های دسته جمعی در شهر دهدشت در روستاها صورت می گیرد یا منشا وقوع آنها در روستا شکل می گیرد لازم است نیروی انتظامی حضور فعال تری در روستاها داشته باشند و به نظر می رسد احداث پاسگاه انتظامی در دهستان های شهر دهدشت در کاهش وقوع نزاع دسته جمعی موثر باشد.
- ۳- در سطح شهر دهدشت متاسفانه ایست های انتظامی به اندازه کافی وجود ندارد و اکثر ایست های انتظامی در مرکز شهر احداث گردیده اند و در مناطق مختلف شهر به ندرت شاهد ایست های نیروی انتظامی هستیم که به نظر می رسد افزایش ایست های انتظامی در شهر دهدشت می تواند در کاهش وقوع نزاع دسته جمعی موثر باشد.

۴- باتوجه به اینکه قوم گرایی در استان کهگیلویه و بویراحمد علی الخصوص شهر دهدشت متأسفانه بعنوان مهمترین عامل وقوع نزاع دسته جمعی محسوب می گردد لازم است در رسانه های استان به این امر برنامه هایی اختصاص داده شود تا از میزان وقوع این امر کاسته شود .

۵- باتوجه به اینکه مطابق ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی شرکت در نزاع دسته جمعی به هر شکلی که باشد جرم محسوب می گردد و منجر به زندانی شدن شخص می گردد لازم است مسئولین دادگستری شهر دهدشت با همکاری اداره آموزش و پرورش و نیروی انتظامی آموزش لازم را از مدارس و از مقطع متوسطه به دانش آموزان بدهند .

۶- باتوجه به اینکه شهر دهدشت جز شهرهای محروم کشور محسوب می گردد و جوانان متأسفانه شغلی پیدا نمی کنند که وقت خود را بگذرانند لازم است مسئولین کشور و استان گام های محکم تری برای توسعه اقتصادی و ایجاد شغل در این شهر انجام دهند .

منابع و ماخذ :

- حسین زاده، علی حسین ، نواح ، عبدالرضا، عنبری ، علی ، ۱۳۹۰، بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان آلی گرایش به نزاع دسته جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز) ، فصلنامه دانش انتظامی ، سال سیزدهم ، شماره دوم ، ص ۱۹۱ الی ۲۲۴.
- حسینی، نثار، ۱۳۸۳، بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حسینی، سید رضا، ۱۳۸۳، بررسی آمار جرایم در ایران، ۱۳۷۶-۱۳۸۰، آسیب های اجتماعی و روند تحول آن در ایران مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران تهران :آگه .چاپ دوم.
- پور افکاری، نصراله، ۱۳۸۳، نزاع های جمعی محلی ، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه شناسی ایران :دانشگاه علامه طباطبایی .چاپ اول.
- خراطها، سعید ، جاوید، نورمحمد، ۱۳۸۴، بررسی علل و عوامل جامعه شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران . فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی ، سال دوم ، شماره 6 و 7 ، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا.
- ربانی، رسول، عباس زاده ،محمد، نظری ،جواد، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع های دسته جمعی ، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی / سال اول / شماره سوم.
- رضایی کلواری، نورالله و بحرینی ، مجید، ۱۳۸۹، مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاعهای دسته جمعی، قومی و قبیلهای در شهرستان لردگان ، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی ، ۱۳۸-۱۶۱.
- ستوده، هدایت ، ۱۳۸۲، آسیب شناسی اجتماعی، تهران :آوای نور، چاپ شانزدهم.
- سلیمی، علی و داوری، محمد ، ۱۳۸۰، جامعه شناسی کجروی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- عبداللهی، محمد و چلبی، مسعود ، ۱۳۷۲، طرح توصیف و تبیین جامعه شناختی نزاعهای دسته جمعی در استان لرستان، وزارت کشور:استانداری استان لرستان .
- عدالتی منش،محمد ، ۱۳۸۶، بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر قوم گرایی در بین شهروندان شهرستان گچساران ، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- کلانتری، صمد، ۱۳۸۴، ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل گیری آسیب اجتماعی ، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ماه پنجم، شماره هیجدهم.
- گودرزی، حمید ، ۱۳۸۵، مفاهیم بنیادی در مطالعات قومی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی، چاپ اول.
- لشکری، علمدار، ۱۳۸۵، بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت انتظامی نزاعهای دسته جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران :دانشگاه علوم انتظامی.
- مرکز آمار ایران ، ۱۳۸۵، سرشماری نفوس و مسکن شهر دهدشت .
- ممتاز، فریده ، ۱۳۸۱، انحرافات اجتماعی، دیدگاهها و نظریه ها، تهران: شرکت سهامی انتشارات، چاپ اول.

- می یر، پیتر، ۱۳۶۸، جامعه شناسی جنگ و ارتش. ترجمه محمد صادق مهدوی و علیرضا ازغندی. تهران: قومس. چاپ اول.

- نظری، جواد، ۱۳۸۶، بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر نزاعهای جمعی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

- Eitzen S Maxine b.1992. Social Problems. Allyn,bacon, Boston.
- Lonardo, Robert A. (2009), Romantic Parents, Friend and Parents: Enmeshment in Networks characterized by deviance and Adolescent Delinquency, A Thesis Submitted to the Graduate College of Bowling GreenState University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts December 2007.
- Spaij R.2006.Aspects of HooliganismVviolence Amesterdaw School for Social Scince Research, pp33-1
- Baron, Stephen W. and Timothy F.Hartnagel.1998."Street Youth and Criminal Violence". Journal of Research in Crime and Delinquency 35(2):166-192 .